اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**دیشب ما نمونه‌هایی را عرض کردیم که یعنی در طی این مدت که وضع فهرست و وضع رجال و بررسی رجالی و فهرستی را توضیح دادیم و عرض کردیم آن که بین متعارف اصحاب ما بود تا در قم بودند یا در بغداد هنوز منتشر نشده بودند همان بحث فهرستی و شناخت مصدر حدیث بین اصحاب و نسخ حدیث و طرق حدیث و اینها .**

**ظاهرا از بغداد که می‌شود دیگر چون در بغداد اولا مساله‌ی حجیت خبر ، حجیت تعبدی خبر کاملا جا افتاده بود استاندارد علمی بود و آقایان هم دیگر ظاهرا مثل همان‌ها عمل کردند حالا یک مساله‌ی دیگری هم هست تصادفا محل کلام است و یک وقتی من یک رساله‌ی خطی دیدم فتوکپی از آن گرفته بودم آقای سیستانی به خط خودشان نوشته بود درباره‌ی این جدول که شهر رمضان ثلاثون یوما نمی‌دانم چاپش کردند یا نکردند یادم نیست .**

**یکی از حضار : نکردند ، جدول اسماعیلی‌ها ، همان جدولی که اسماعیلی‌ها می‌گویند درست کردند برای شهر رمضان**

**آیت الله مددی : معلوم نیست اسماعیلی باشد .**

**یکی از حضار : یک ماه بیست و نه روز ، یک ماه سی روز همان را می‌فرمایید ؟ یک جدول عددی درست کردند که همه‌اش ماه رمضان سی روز است ماه شعبان بیست و نه روز است .**

**آیت الله مددی : اسماعیلی‌ها گفتند درست کردند ؟**

**یکی از حضار : گفتند آقای شعرانی مثل اینکه می‌گوید اسماعیلی‌ها درست کردند .**

**آیت الله مددی : بله .**

**این جدول را به اصطلاح در حقیقت این طوری است که از ماه محرم شروع می‌شود 30 روز است ماه صفر 29 است بعد ربیع الاول ، ربیع الثانی همینطوری یک ماه 30 روز یک ماه 29 روز . آن وقت ماه شعبان دائما 29 روز است ماه رجب دائما 30 روز است ماه شعبان دائما 29 روز است ماه رمضان دائما 30 روز است شوال دائما 29 روز است ذی حجة به حساب ذی قعدة معذرت می‌خواهم 29 روز است ذی حجة بین 29 و 30 است اگر کبیسه باشد 30 روز است و الا 29 روز است .**

**این یک جدولی بوده که علمای نجوم در آن زمان داشتند تا آنجایی هم که من می‌دانم ربطی هم به اسماعیلی‌ها ندارد حالا ایشان به اسماعیلی‌ها ربط داده ، مرحوم سید بن طاووس تصادفا در این کتبی که ما داریم مثل جواهر و دیگران ، آقای حکیم و آقای خوئی متعرض این تاریخ این جدول نشدند .**

**یکی از حضار : آقای شهیدی اول می‌گوید لا عبرة بالجدول ثم اتمم العمرة**

**آیت الله مددی : نه اینکه این جدول چه بوده اصلا .**

**مثلا فرض کنید همیشه شما یک راه دیگر هم اضافه کردند ماه رجب و شعبان را 59 روز حساب کنید این خوب همان جدول است دیگر می‌گوید ماه رجب و شعبان ، یکی از راه‌ها هم این است ماه رجب و شعبان را دائما 59 روز حساب کنیم شصتم را اول ماه رمضان مثل همان جدول است .**

**عرض کنیم اگر بخواهید علیرضا بیاورد این جدول مبنای کار منجمین بوده مبنای محاسباتی بوده یعنی به عبارت دیگر یک نوع استاندارد علمی بوده اصلا یعنی رویش محاسبه می‌کردند یک کتابی هست تاریخ 1500 ساله تاریخ تطبیقی 1500 ساله بین سال‌های شمسی و قمری رستنفیلد آلمانی ، من دارم این را الان اینجا هست اگر بخواهید . آن همین جدول است دائما نوشته محرمم 30 روز صفر 29 روز و ماه رمضان 30 روز این جدول هست این جدول از قدیم بوده و در کتاب فرج الهموم یا فرج المهموم برای سید بن طاووس چون تا زمان سید بن طاووس بیشتر تفکر این بود که علم نجوم و اینها حرام است مثلا منجم کافر کاهن ، ایشان می‌خواهد اثبات بکند که منجم حرام نیست نسبت است .**

**منجم این است که محاسبات نجومی می‌کند که مثلا چه وقت قران است چه وقت اقتران است چه وقت شمس دور می‌شود چه وقت نزدیک می‌شود مثلا اما نسبت اینها را به خود طبیعت نمی‌دهد اگر نسبت به طبیعت دادیم کفر است و الا اگر نسبت به خدا بدهد که کفر ندارد که این فرج الهموم را ایشان برای این جهت نوشتند مرحوم سید بن طاووس کتاب قشنگی هم هست قضایای قشنگی هم دارد انصافا قضایای قشنگی در اثبات اینکه بعضی از این حرف ، ایشان جدول را به معاویة بن عبدالله بن جعفر نسبت می‌دهد ندیدم جای دیگر ایشان نسبت می‌دهد این معاویه نوه‌ی حضرت زینب است چون عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب است عبدالله پسر جعفر بن ابی طالب ، ایشان این مقاله را این جدول را به ایشان نسبت می‌دهد که این جدول را ایشان آورده است .**

**اما این مطلب که ماه رمضان دائما ثلاثون یوم چون آن در بعد از ، آن قبل است اما قبل از سید بن طاووس این را ابو ریحان بیرونی هم به امام صادق به شیعه نسبت می‌دهد و لذا الان معروف شده در کتب فعلی الآثار الباقیة من هم دارم الآثار الباقیة که شیعه نسبت دادند به جعفر بن محمد که ماه رمضان ثلاثون یوم دائما بعد می‌گوید و این علمای شیعه اشتباه کردند جعفر بن محمد امام من ائمة الاسلام امام بزرگی است می‌داند ماه رمضان 29 می‌شود 30 می‌شود ، خیلی عجیب است ها دفاع می‌کند ایشان از امام صادق .**

**من هم این مطلب را از آقای سیستانی شنیدم تقریبا شاید در حوزه‌های ما مثلا نجف هم یکی دو نفر دیگر برداشتند نقل کردند از ایشان نقل کردند من خودم در الآثار الباقیة دیدم عن القرون الخالیة این مطلب ایشان را دیدم ، این مطلب اگر باشد ایشان چون چهارصد و خورده‌ای است وفاتش احتمالا از همان سال‌های دویست و خورده‌ای که جدول وارد دنیای اسلام می‌شود عده‌ای سعی کردند این را نسبت به امام صادق بدهند لذا ایشان دفاع می‌کند و من عرض کردم این آقای خدا حفظش کند این آقای ایرانی همین میراث مکتوب نه آثار باقیه یک کتاب ، مجله‌ای ، فصل نامه داشت به نام گزارش ویژه اگر یادتان باشد .**

**یکی از حضار : کنار میراث مکتوب .**

**آیت الله مددی : اها ، نمی‌دانم الان چاپ می‌شود یا نه فکر نمی‌کنم .**

**یکی از حضار : میراث مکتوب چاپ می‌شود ولی گزارش ویژه هم گاهی مرتب نه گاهی .**

**آیت الله مددی : اها گاهی .**

**آن وقت در این گزارش ویژه گاهی نامی از نسخ خطی می‌برد که مثلا خیلی نفیس است منحصر به فرد است چاپ نشده یک نسخه‌ای را ایشان در آنجا در گزارش ویژه از استاد ابوریحان بیرونی که او هم اهل همان جاست خوارزم و ماوراء النهر است اسم او الان در ذهنم نیست،**

**یکی از حضار : ابو معشر بلخی و اینها نبودند ؟**

**آیت الله مددی : نه نه ، معشر که برای بلخ است نه برای همان بیرون ، بیرون برای همان ماوراء النهر است بلخ این طرف است برای خراسان است برای ایران است به اصطلاح الان هم افغانستان . نه ابو معشر نه .**

**برای یک استادی است که خیلی هم مشهور نیست من هم اسمش الان در ذهنم نیست ایشان می‌گوید این کتاب یک نسخه‌ی منحصر به فرد دارد یک نسخه‌ی خطی دارد اسم آن آقا را می‌برد این قبل از ابو ریحان است این شخص قبل از ابوریحان است در ماوراء النهر اسمش در ذهنم نیست استاد ابو ریحان هم هست و قبل از ابو ریحان است ، در آن جا می‌گوید که این یک کتاب نسخه‌ی خطی حالا یادم رفته آدرس نسخه‌اش هم کجا داده هند است سند است ترکیه است کجاست، یک نسخه‌ی خطی دارد این نسخه هم منحصر به فرد است و تا حالا هم چاپ نشده ایشان به این عنوان .**

**آن وقت در آن جا می‌گوید یک مطلبی را از این نسخه‌ی خطی نقل بکنیم همین مطلب را نقل می‌کند از استاد ابو ریحان ، همین مطلب را عرض کردم الان در مثلا نجف یک چند نفری به تبع آقای سیستانی سعی می‌کنند از همان ابوریحان نقل بکنند لکن من دیدم قبل از ابوریحان داشت همین مطلب که در شیعه نسبت دادند علمای شیعه به جعفر بن محمد که ماه رمضان دائما ثلاثون یوم است ولکن درست نیست این چون امام صادق امام من ائمة الاسلام و چنین مطلبی نمی‌گوید ماه رمضان مثل بقیه‌ی شهور است شهر کبقیة الشهور کم و زیاد دارد این را غرض من پیدا کردم در آثار قبل از ابو ریحان .**

**چون یک مطلبی بود که آقای سیستانی مثلا می‌گفت این مطلب را ابو ریحان نوشته شیخ مفید هم اول عقیده‌اش این بود که دائما ثلاثون یوم بعد برگشت حالا خود ابو ریحان وفاتش بعد از شیخ مفید من می‌دانم 428 است ابو ریحان مفید 413 است وفات**

**یکی از حضار : ابو ریحان 440 است .**

**آیت الله مددی : دیگر بدتر من خیال می‌کردم 428 است ، 428 ابو علی سیناست اشتباه کردم با او .**

**علی ای حال آخر ما بعضی وقت‌ها شوخی می‌کردیم با رفقا که ابو علی سینا متولد 370 است متوفای 428 من هم متولد 1370 هستم هزار سال بعد از ایشان اما فعلا یک چند سالی از ایشان رد کردیم در تولدش ، آن شاعر گفت به هر الفی الف قدی براید من آن الفم که در الف آمدستم غرض که تولد من 1370 است ایشان 370 است درست هزار سال بعد از ایشان .**

**علی ای حال این هم برای شوخی مسائل و این قضایا . علی ای حال آن وقت این یک مقداری مستبعد بود که مثلا شخصی که 440 حالا من 440 در ذهنم نبود 440 وفاتش باشد شیخ مفید که 413 است متاثر به ایشان باشد من به ذهنم آمد نه متاثر به استادش است .**

**یکی از حضار : عبارت آثار باقیه را پیدا کردم .**

**آیت الله مددی : بله ، دارم من هم دارم خود آثار را .**

**یکی از حضار : می‌گوید الجدول المصحح ، فراز فراز که شده فراز شماره‌ی 80 می‌شود می‌گوید که یک توضیحاتی می‌دهد قبل‌تر می‌گوید انتهی وهذا هو الجدول المصحح بعد می‌گوید وقد وجدت عند احمد بن محمد بن شهاب و کان احد المعدودین من اصحاب الجزایر وکبار الدعاء جدولا زعم ان العمل به**

**آیت الله مددی : شاید کبار الدعات باشد شاید**

**یکی از حضار : بله کبار الدعات نوشته کبار الدعات**

**آیت الله مددی : اسماعیلی‌ها شاید از این گرفته چون ها دعات اسماعیلی شاید ایشان از اسماعیلی‌ها گرفته چون جزایر و شمال آفریقا برای اسماعیلی‌هاست شاید ایشان از آن آقای چیز گفته اما من در کتاب فرج الهموم دیدم خیلی قبل از این است ، خیلی قبل از این است این قصه‌ی جدول خیلی قبل از این است . بفرمایید ، شاید مرحوم آقای شیخ شعرانی از او گرفته است لکن خیلی بعید است چون در روایت امام صادق آمده و اصرار دارد که ثلاثین**

**خود من هم اسم نمی‌برم چون شاید بگوید اعتباری بشناسید یک آقای خیلی مرد واقعا مرد پاک و منزه و خیلی اهل سیر و سلوک هم بود خیلی سیر و سلوک صحیح البته خیلی مرد فوق العاده‌ای بود معتقد به این بود گاهی اوقات می‌رفتیم آنجا گاهی می‌گفتند این دیگر خیلی شهادت زیاد دادند 29 روز را اعتناء نمی‌کرد 30 روز روزه می‌گرفت اصلا می‌گفتیم آقا چند نفر شهادت در ایران که دیدند خیلی مالی نمی‌دانست .**

**بله البته یک فتوای دیگر هم هست این احتمال دارد با آن باشد یک روایتی هست این حالا من در بحث هلال مگر توضیح بدهم یک روایتی هست این بحثش یک نکته‌ی فنی دارد اذا رآه واحد رآه خمسون و اذا رآه این می‌خواهد بگوید الان در اصطلاح الان این مراکز رصد هلال در سطح بین المللی که می‌دهند این تصاویری که می‌دهند و نقشه‌ها را هم که می‌دهند در تصورشان این است که اگر روشنایی هلال شصت و شش صدم یک درجه رو به ما باشد قابلیت رویت دارد این روایت می‌خواهد بگوید نه این قابلیت رویت فرض کنید برای یک نفر دو نفر پنج نفر این باید به یک مقداری باشد که همه ببینند یعنی باید نزدیک به یک درجه هم بیشتر یعنی یک بحث ، آن بحث دیگری است اصلا آن می‌گوید رویت هلال و صوموا لرؤیته وافطروا لرؤیته یعنی کاملا باید هلال روشن و واضح باشد همه ببینند یکی بگوید من دیدم ده نفر دیگر بگویند ندیدم آن به درد نمی‌خورد باید همه این یک مبنای دیگر با این خلط نشود . حالا در بحث هلال گفتیم به آن آقا که به آقای مختاری هم عرض می‌کنیم آنجا توضیحاتش را عرض می‌کنیم .**

**اصحاب به این طائفه از روایات عمل نکردند اما دیدم بعضی‌ها تمایل داشتند می‌گفتند بعید نیست ما به این طایفه عمل کنیم .**

**یکی از حضار : ببخشید چون این عبارت بد جور چاپ شده است .**

**آیت الله مددی : بخوانید آثار باقیه را .**

**یکی از حضار : بله و می‌گوید و کبار الدعات جدولا زعم ان العمل به ان یوخذ سن الهجرة التامة جمع السنة ویزاد علیه اربعة ویطرح ما اشتمل ثمانیة ثمانیة همین طور می‌گوید وجوه را بعد می‌گوید و هذا هو جدول یعنی می‌گوید و بعد می‌گوید و هذا هو جدول اوائل الشهور العربیة و هو لعمری مستخرج من هذا الجدول المجرد ایضا لو تامل متامل .**

**آیت الله مددی : آن یک جدول دیگر نجومی است غیر از این است بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد یک مقدار می‌آید جلو تر می‌گوید که بعد می‌آید اشکالش را می‌گیرد می‌گوید که فحینئذ یضطرب اضطرابا فاحشا وذکر هذا الداعی المموه ان الجدول من عمل جعفر بن محمد الصادق علیه السلام حین اعلم زعم بما کان الناس فیه یک مقدار عبارت اینجا چاپ این طوری شده خود نسخه محقق هم اشاره کرده کلمات اینجا چیز دارد من الخلاف و الشک فی هلال رمضان فقال زعم والذی بعث محمدا صلی الله علیه وآله بالحق نبیا ما فارق امته حتی افضی الینا ما کان و ما یکون الی آخر الدنیا و اقل ذلک علم الصوم فی کل سنة وفی کل یوم منها و انه کان یقول ما تم شعبان قط ولا نقص رمضان من ثلاثین یوما ولقد افتری هذا الظالم علی ذلک السید العالم افضل اشراف واعلم الائمة صلوات الله علی ذکرهم**

**آیت الله مددی : خیلی تعبیر است .**

**یکی از حضار : حیث اضاف الیهم شیئا غیر جائز فی دین جده**

**آیت الله مددی : اما به نظرم شیعه نسبت می‌دهد می‌گوید علمای شیعه شاید جای دیگر آن را گفته .**

**یکی از حضار : وقد قام البرهان علی صحة ضده وکان ذلک الامام الورع ابعد من ان یتلوث باقاویل انصار هؤلاء**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است ، خیلی عجیب است چطور دفاع می‌کند از امام صادق خیلی عجیب است .**

**یکی از حضار : جعفر بن محمد یک بار اسم برده شده است .**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است اما انصافا چقدر اینها منصف بودند چقدر مردمان با انصافی بودند .**

**علی ای حال این را ما بحثش ، آن وقت این بحث جدول در قرن سوم ، قرن چهارم تقریبا جا می‌افتد خیلی شدید حالا عبارت فرج الهموم را بیاور تا آن بگوید این جدول که قرار دارد ، چون این عبارت فرج المهموم من در جای دیگر ندیدم از این جهت دائما می‌گویم بیاورد ایشان می‌گوید این برای این نیست برای عبدالله بن معاویة ، معاویة بن عبدالله بن جعفر حالا شاید پسر معاویه باشد عبدالله بن معاویة ونسبه الی الصادق علیه السلام .**

**یکی از حضار : چون نسبش به امام صادق می‌رسد گفته ، نسبت به امام صادق ، چون نسبش به**

**آیت الله مددی : نه به حضرت زینب می‌رسد به امام صادق نمی‌رسد . نسبش می‌رسد به عبدالله پسر جعفر طیار ، عبدالله بن جعفر طیار پسر عموی حضرت زینب . اینها را اصطلاحا در بحث انساب سادات می‌گویند سادات زینبی اینهایی که طرف مادرشان به حضرت زینب است به اینها سادات زینبی می‌گویند جعفری هم می‌گویند اما زینبی هم به اینها می‌گویند جعفری هم چرا به اینها می‌گویند . به اعتبار جعفر بن عبدالله ، جعفر بن ابی طالب پسر ابو طالب بفرمایید . پیدا نشد در فرج الهموم ؟**

**یکی از حضار : فرج المهموم**

**آیت الله مددی : شاید در سعد السعود آورده متفرقه یا در سعد السعود است این سعد السعود ایشان خیلی کتاب ، این هم چاپ شده محققانه من ندارم اگر بیاورید ببینم من خیلی کتاب نافعی است ، فوق العاده نمی‌دانم توانستند از پسش بربیایند اما اگر واقعا خیلی آقا ایشان تکه تکه از کتاب‌ها و مصادری نقل می‌کند که بسیار با ارزش است بسیار با ارزش است و قدر این کتاب شناخته نشده است .**

**یکی از حضار : معاویة بن چه فرمودید ؟**

**آیت الله مددی : عبدالله بن جعفر ، کلمه‌ی جدول هم بیاورید به نظرم در بیاید .**

**یکی از حضار : ابن طاووس آن کتاب برء الساعة زکریای رازی را در الامال چاپ آورده کل برء الساعة محمد زکریای رازی را**

**آیت الله مددی : ندیدم من در الامال من یادم نمی‌آید**

**یکی از حضار : چرا در فصل یازدهمش**

**آیت الله مددی : عجیب من یادم نمی‌آید اصلا برء الساعة را یک چاپی کردند با ترجمه‌ی فارسی چاپ خوبی نیست ، من برء الساعة چاپ عربی محقق ندارم یک چاپی است نمی‌دانم مجلس شورا ترجمه‌ی فارسی مالی نیست نه . بعدش هم خیلی مفهوم نیست عبارات ایشان چون محمد بن زکریای رازی خوب یک طبیب فوق العاده‌ای است دیگر خیلی چنین از نظر علمی لا اقل من نفهمیدم آن من لا یحضره الطبیب ایشان هم ترجمه شده به نظرم همین چیز چاپ کرده مجلس شورا فکر نمی‌کنم اشتباه کردند بعد هم چون محقق کتاب وارد نبوده حالا من نسخه‌ی خودم را مرتب کردم آن اوراق را جابجا چیده بودند در خود کتاب این همین جوری چاپ کردند من اوراق را برداشتم معین کردند این صفحه‌ای که نوشته 27 این باید برود 52 ، 52 باید بیاید این طرف یک مقدار من آن نسخه‌ی خودم را من لا یحضره الطبیبی را که ایشان نوشته این را مرتب کردم من فکر نمی‌کنم این ترجمه‌ی آن باشد .**

**او می‌گوید و محمد بن زکریای رازی گوید یعنی از عبارات این کتاب مستقل است این که من دیدم به نظرم مستقل است اما بد نیست اما ترجمه‌ی آن نیست خود من لا یحضره الطبیب عربی را هم ندارم نمی‌دانم اصل کتاب در عربی چطوری بوده آن را ندارم .**

**یکی از حضار : این اقبال یک اشاره‌ای به این ماجرا دارد .**

**آیت الله مددی : بفرمایید .**

**یکی از حضار : می‌گوید که اقول و رایت روایتین احدهما عن عبدالله بن معاویة بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب وهو یتضمن شرح طویل نحو کراسین فلا نطیل بذکره رواه عن الصادق علیه السلام فی معرفة اول الشهور بالحساب**

**آیت الله مددی : همین است بالحساب جدول است .**

**لذا این یک نوع محاسبات بوده بالحساب این یک نوع محاسبات بوده است . مثل اینکه رستنفیلد هم روی همین اساس تقویمش را نوشته است ، پس این عبدالله گفتم عبدالله بن معاویة بن عبدالله بن جعفر است ، می‌گوید ایشان این را نوشته و نسبت به امام صادق داده حالا در این روایتی که ما داریم این اسم نیست اصلا یکی از کارهای خیلی مشکل این یک کار فنی است که .**

**یکی از حضار : ...**

**آیت الله مددی : عبدالله بن معاویة .**

**یکی از حضار : ...**

**آیت الله مددی : نه هست عبدالله بن معاویة به نظرم قبرش هم ما می‌رفتیم به طرف کربلا یک جایی می‌رسیدیم می‌گفتند قبر عبدالله بن معاویة بن عبدالله به نظرم در ذهنم این طور است به عنوان قبر ایشان آن جا بود عبدالله بن معاویة بن عبدالله بن جعفر ، شخصیتی هم هست به نظرم قبرش در راه کربلا یا من رفتم مثلا حمزه و قاسم آن جا دیدم .**

**یکی از حضار : جزو ائمه‌ی کیسانیه بوده بعد از محمد بن حنفیه**

**آیت الله مددی : نشنیدم .**

**یکی از حضار : این را در قاضی نعمان می‌گوید که بعد از امامت محمد بن حنفیه می‌گوید ثم اختلفوا فیه وفی من بعده فزعمت فرقة کما ذکرنا انه حی لم یمت وقال فرقة بل مات و کذا وقال اخرون بل مات فلان بعد می‌گوید فزعمت فرقة اخری منه ان ابا هاشم که ابنش بوده مات واوصی لعبدالله بن معاویة بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب وهو غلام صغیر .**

**آیت الله مددی : بعید نیست علی ای حال به طور کلی بعد از قیام زید در سال 121 در کوفه مخصوصا شیعه‌ها حرف‌های مفت زیاد رواج پیدا کرد . یکی وصیت ابو هاشم است که ابو هاشم وصیت کرد امامت را به ابراهیم امام اسم این هست ابو هاشم اسمش زیاد است یکی هم دارد که نه به ایشان وصیت کرد چون این از سال 121 تا 132 که ابوالعباس سفاح سر کار آمد خیلی صحبت بود که چه کسی مثلا به جای بنی امیه بیاید چه کسی این صلاحیت را دارد که بتواند به جای بنی امیه خلافت بکند یکی از آنها حرف آن آقا بود حالا می‌گویید ایشان اما راجع به کیسانیه عرض کردم انصافا برای ما روشن نیست اصلا چیزی به نام کیسانیه داشته باشیم اصلا روشن نیست .**

**می‌گویند کیسان یک شخصی بوده از اهواز ، خوزستان ایرانی الاصل بوده ایشان همراه با مختار بوده مختار بن ابی عبیدة ثقفی و اینها می‌فهمیدند که فلان خانه در لشکر عمر سعد بودند در روز عاشوراء این یک چند نفری مثل خودش جلاد جمع کرد می‌رفتند به آن خانه حمله می‌کردند همه را می‌کشتند بدون استثناء حتی بچه‌ی یک روزه مثلا کیسانی‌ها را به این کیسان می‌گویند نمی‌دانم راست است یا دروغ است از این دروغ‌ها ، دروغ در تاریخ زیاد است علی ای حال .**

**من خود کیسانیه برایم واضح نیست اصلا این که اصلا محمد حنفیه مدعی مهدویت بوده و بعدش چه بوده و این ابو هاشم پسرش به چه کسی وصیت کرده این خیلی کسی این قسمت تاریخ را نگاه بکند و یکی از مشکلات امام صادق هم همین زمان است ، چون یک حالت حرکت و هیجانی در مردم پیدا شده بود اینها می‌خواستند امام صادق هم بیاید وسط میدان و به عهده بگیرد مثلا مبارزه‌ی با بنی امیه را و امام هم نمی‌خواستند این کار را بکنند این خط غلو سیاسی ما در حقیقت توضیح دادیم این اصلش مثلا می‌گویند که جابر موسس است 128 وفاتش است این همین زمان است یعنی این زمان بین 121 تا 132 این زمان تا کار به بنی عباس رسید البته بعد از اینکه کار هم به بنی عباس رسید عده‌ای باز مثل مفضل و ابوالخطاب تصور می‌کردند که ما می‌توانیم هنوز بنی عباس قوی نشدند بنی عباس را از بین ببریم امام صادق را بیاوریم این غلو سیاسی که من می‌گویم مرادم این است دقت می‌کنید ؟**

**با حرکت مسلحانه‌ای که ابوالخطاب انجام داد اینها تصور کردند که کار را می‌توانند به امام صادق ارجاع بدهند امام صادق هم به هیچ وجه حاضر نبود با اینها همکاری بکند حتی لعن هم می‌کرد ابوالخطاب را کرارا حضرت لعن می‌فرمودند که این مثلا حتی جوری شده که من در مدینه در رختخواب خودم خواب آرام ندارم جای آرام ندارم الی آخر صحبت‌هایی که هست .**

**حالا به هر حال ببینید آقای خوئی چیزی دارد راجع به ایشان نه قاموس نگاه کنید القاموس داشته باشد قاموس بیشتر دارد قاموس مرحوم تستری را نگاه کنید حالا ما نمی‌خواستیم وارد عبدالله بشویم .**

**یکی از حضار : شیخ در رجال در اصحاب ابی عبدالله هم آورده ایشان را بدون هیچ توضیح اضافه‌ای .**

**آیت الله مددی : بله می‌دانم اما نه قاموس ببینید چه دارد راجع به ایشان دیگر نمی‌خواستیم وارد شویم .**

**این شخص این حساب را که محاسبات آن زمان بود یعنی مثل محاسبات زمان ما مثل محاسباتی که منجمین داشتند آن وقت من یک وقتی این مطلب را با یک کسی صحبت کردم از شاگردان آقای حسن زاده بود گفت آقای حسن زاده اعتقادش بود که این جدول واقعی نیست این شبه استاندارد بوده یعنی یک جدول عمومی است که اگر ، اما نه اینکه دقیقا این ماه 29 است این ماه 30 روز است ایشان نقل کردند .**

**من به نظرم این مطلب را در یک کتاب دیگر هم که در نجوم قدیم بود یا به یک مناسبتی یا در آثار باقیه جای دیگر دیدم که این جدول مثل یک مسطره است مثل یک خط ، چوب خط است مثلا الگوست ، نه اینکه واقعا یک ماه 29 روز است یک ماه 30 روز است این طور که ایشان آن شاگرد آقای حسن زاده برای من نقل کرد البته به هر حال مطلب ایشان درست است یعنی این مطلب من هم نگاه کردم جای دیگر نگاه کردم که این اصلا اعتقاد منجمین نبوده لکن در شیعه که آمد این را واقع گرفتند مشکل این شد . در میان شیعیان این را به عنوان یک واقعیت گرفتند و طبق این حساب کردند لذا طبق این حساب ماه رمضان دائما 30 روز می‌شد ، این هست چرا ، بیاورید عبدالله را .**

**یکی از حضار : فقط احوال شخصیه‌اش را گفتند و چیزی هم کم نگذاشتند ورد فی عبدالله بن حارث این مدخل 4539 حبسه ابو مسلم ثم قتله وفی المقاتل**

**آیت الله مددی : این ببینید حبسه یعنی ادعا می‌کرد چون این در مقابل بنی عباس بود می‌گفتند ابو هاشم به این وصیت کرده این بناست خلیفه بشود . ابو مسلم که داشت دعوت می‌کرد برای سفاح و منصور این را به عنوان این که عده‌ای می‌خواهند به جای بنی امیه خلیفه کنند کارش را ساخت که این وصیت ابو هاشم هم فاتحه‌اش خوانده شد بفرمایید .**

**یکی از حضار : فی المقاتل کان فارسا جوادا شاعرا لکن کان سیئ السیرة ردیئ المذهب خرج ودعی الی نفسه لا الی الرضا من آل محمد علیهم السلام ویستظهر بمن یرمی الی الزندقة فکان کاتبه عمارة بن حمزة ال**

**آیت الله مددی : این عمارة بن حمزة از متهمین به زندقه است**

**یکی از حضار : المرمی بالزندقة وکان احد ندیمیه مطیع بن ایاز الذی کان زندیقا**

**آیت الله مددی : آن مطیع بن ایاز که هم شاعر است و هم خیلی آدم کثیفی است غرض این دور و برش یک مشت از این فسقه و فجره دورش جمع بودند آن وقت در آن زمان حتی در روایت دارد که زید هم کان یدعوا الی الرضا من آل محمد ایشان می‌گوید نه کان یدعوا الی نفسه نه الی الرضا من آل محمد و توضیح از این کلمه‌ی الرضا من آل محمد یعنی شخصی را که آل محمد انتخاب بکنند یک انتخابات بگذاریم آل محمد چون این بحثی بود که اگر بنا بشود بنی امیه برود چه کسی به جای او بیاوریم مثلا یکی از بحث‌ها این بود که عامه‌ی مسلمین مثل همین الان رای گیری در همه‌ی شهرهای اسلامی یک رای این بود که برویم سقیفه‌ی بنی ساعده آنجا بچه‌های انصار و مهاجرین آنهایی که آن جا بودند نوه‌های آنها بیایند آنجا یک رای هم این بود چند تا رای مطرح بود که ما چه کار بکنیم که حالا بعد از بنی امیه خلیفه**

**یکی از رای‌ها این بود که خصوص آل محمد یک نفر را انتخاب بکنند ، نه مهاجرین و انصار و مدینه و فلان نه اهل حل و عقد خصوص آل محمد جمع بشوند رای بدهند یک نفر را انتخاب بکنند این با او مردم بیعت بکنند به عنوان خلیفه‌ی مسلمین ایشان می‌گوید این عقیده را نداشت خودش را خلیفه می‌دانست لکن یک مشت از این فسقه و فجره و زنادقه را دور و بر خودش جمع کرده بود بفرمایید این مطیع بن ایاز که مرد خبیثی است بله .**

**یکی از حضار : دیگر اینکه هر کسی در کنارش بوده را اسم می‌برد و بعد می‌گوید که فکان هو یغضب علی شخص فیامر بالجلد والتغافل عنه**

**آیت الله مددی : چه آقا ؟ وکان چه ؟**

**یکی از حضار : یغضب علی ، وکان هو یغضب علی شخص**

**آیت الله مددی : وکان اذا یغضب علی**

**یکی از حضار : وکان له صاحب شرطة دهری کان**

**آیت الله مددی : البته صحیحش دُهری است دَهر نسبت به دهر ، دُهری می‌گویند علی خلاف القاعدة مثل قبط نسبت به قبط می‌گویند قُبطی ، یک عده‌ای هستند نسبتش خلاف قاعده است به کسی که به دهر ایمان دارد یعنی ایمان به خدا ندارد اصلا بله مادی صرف است دُهری کان دُهریا ضبطش دُهری است . آن هم ضبطش قُبطی است مثل ماریه‌ی قُبطیه**

**یکی از حضار : بله کان یعس بالیل**

**آیت الله مددی : آن وقت یک صاحب پلیس هم داشت که افراد را مثلا تا می‌گفت کله پا می‌کرد دیگر زود این آن هم بی دین بود هیچ اعتقاد به خدا و پیغمبر و اینها نداشت یک فرد این جوری را مامور پلیس خودش گذاشته بود مامور حفاظت و ... بله**

**یکی از حضار : می‌گوید همه را می‌کشته خلاصه همین . دیگر احوال این آقا تمام شد دیگر چیز خاصی در موردش ایشان نمی‌گوید . آقای خوئی هم که فرموده بودید**

**آیت الله مددی : آن وقت مرحوم سید بن طاووس می‌گوید یک جدول نوشت این جدول را به امام صادق نسبت داد ، می‌گویم این کسی دیگر قبل از سید بن طاووس ندیدم من این ربطی به آن موردی که ابو ریحان گفته ندارد ، این خیلی قبل از آن است ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم این جدول را ایشان می‌نویسد به امام صادق نسبت می‌دهد اما در روایات ما اسمش نیست خوب معلوم است این اوصافی که دارد روات ما از این نقل نمی‌کردند این نکته را اگر آقایان در نظر گرفته بودند خیلی می‌توانست کارساز باشد ، خیلی خوب این تا این جا این نکته .**

**مرحوم شیخ مفید می‌گویند در اول معتقد بوده که ماه رمضان تمام است مثل بقیه‌ی قرن چهارم بعد کتابی هم نوشته لمح البرهان فی عدد شهر رمضان ، عدم النقصان ، لمح البرهان . نجاشی یک جا از این کتاب نقل می‌کند آن کتاب را فعلا نداریم در اختیار ما نیست البته قبل از ایشان صدوق آورده این روایت را آورده به نظرم در کافی هم باب نوادر است یا خود کافی در صدوق هم شاید باب نوادر صدوق مفصل آورده روایت را و می‌گویند مرحوم مثل ابن قولویه و اینها عده‌ای می‌گویند در قرن چهارم معتقد به این مبنا بودند و بعد که ابو ریحان ، ایشان می‌گوید بعد که ابو ریحان این مطلب را گفت بعید است ابو ریحان متوفای 440 روی شیخ مفید تاثیر بگذارد ، من نظرم این است که منجمین که استاد ابو ریحان بودند در ماوراء النهر بودند آنها این مطلب را گفتند اصل مطلب از آنجا بوده است .**

**حالا به هر حال شیخ مفید برگشت بعد اهل موصل از ایشان سوالاتی کردند ایشان جواب داد باز مثل اینکه شک کردند که آیا ایشان واقعا برگشته است یا نه دو مرتبه اسمش شد الرسالة العددیة ، این رساله‌ی عددیه را هم اسمش را تا آنجایی که من می‌دانم نسبت کلی نمی‌دهم اولین کسی که این اسم را گذاشت مرحوم صاحب مستدرک این رساله در کتاب الدر المنثور نوه‌ی شهید ثانی پسر صاحب معالم ایشان می‌گوید دو تا رساله نزد من هست خطی هستند و در شرف تلف هستند من این دو تا را می‌آورم و فکر می‌کنم برای شیخ صدوق باشد برای شیخ مفید باشد و اعتماد داده می‌شود برای سید مرتضی باشد لکن می‌گوید به شیخ مفید غرض ایشان با تردید می‌آورد بعدها مرحوم صاحب مستدرک از این رساله تعبیر می‌کند الرسالة العددیة آقای خوئی هم در معجم همین جور می‌گوید رساله‌ی عددیه مرادش همین کتاب است این رساله‌ای است که هست در حقیقت این رساله همین طور که نجاشی اسمش را آورده جوابات اهل الموصل الثانیة چون در اولش می‌گوید که و اما ما سالتم سوال ، کتبت الیکم بعد شما باز سوال کردید این جوابات اهل الموصل الثانیة این رساله‌ی جوابات اهل الموصل الثانیة است .**

**حالا برای شیخ مفید را بخوانید شیخ مفید یک کمی تند تر ، شیخ مفید در اینجا وقتی می‌خواهد وارد بحث بشود راجع به روایاتی که می‌گوید ماه رمضان تمام است و راجع به روایاتی که می‌گوید ماه رمضان کبقیة الشهور بحث سندی می‌کند تمام بحث ما امشب اینجا بود بیاورید شما رساله‌ی عددیه را می‌گوید این کسانی که گفتند ماه رمضان تام است اینها ضعاف هستند آن وقت یک لیستی از اینها را می‌آورد .**

**محمد بن سنان و فلان اسم اینها را می‌برد ، بیاورید اسم عبدالله بن معاویة بن جعفر هم نیست این خیلی ، همان اوائلش است .**

**یکی از حضار : جواب اهل الموصل فی العدد والرؤیة به این اسم شاید ثبت شده است .**

**آیت الله مددی : جوابات اهل الموصل الثانیة فی العدد والرؤیة .**

**آن وقت در آنجا در حقیقت آمدند بحث را ما بین عدد و رؤیت مثل اینکه ما الان می‌گوییم باید بحث بین رؤیت و محاسبه باشد اختلاف افق و اینها نیست آنها بین عدد ، عدد هم در آن زمان در حقیقت همین محاسبات امروز ماست همین نجومی است که الان ما داریم در محاسبات نجومی‌شان این طور حساب کردند ماه محرم تمام بعدش همین طور می‌رود تا ماه شعبان ناقص و ماه رمضان تمام بیاورید حالا عبارت شیخ مفید را .**

**یکی از حضار : عبارتشان آن که چاپ شده در مجموعه‌ موسوعه است به نام جوابات اهل الموصل چاپ شده فصل واما ما تعلق به اصحاب العدد فی ان شهر رمضان لا یکون اقل من ثلاثین یوما فهی احادیث شاذة قطعن نقاد الاثار من الشیعة فی سندها .**

**آیت الله مددی : ببینید بحث سندی می‌کند ، حالا این نشان می‌دهد که ما چون همیشه به شیخ طوسی اشکال ، احتمالا از اواخر قرن چهارم بحث‌های سندی مثل اهل سنت در شیعه می‌آید مثل شیخ مفید که قبل از شیخ طوسی . یعنی همان راهی که اهل سنت رفتند حالا آیا جهتش چه بوده چون من چند دفعه عرض کردم زیدی‌ها تا حدود قرن چهارم در کوفه بودند و آثار حدیثی خوبی دارند محدثین بسیار بزرگی مثل ابن عقده دارند انصافا از قرن چهارم چون گفته شده آل بویه در حقیقت زیدی بودند اینها به بغداد می‌آیند در بغداد تمایلات کلامی دارند بیشتر خیلی در مسائل کلامی ، و گفته شده که مرحوم شیخ مفید هم تقاربی با مکتب این مطلب را میزان الاعتدال دارد در سال نوشته وفی سنة ثلاث مائة وسبعین تقارب الرفض والاعتزال رافضه با معتزله نزدیک شدند این زمان شیخ مفید است .**

**من چون تا حالا همه‌اش نسبت به شیخ طوسی می‌دادیم احتمالا از آمدن بحث‌های کلامی و طبیعتا اصولی که اهل زیدیه مطرح کردند این به شیعه هم سرایت کرد توسط شیخ مفید بعد توسط شیخ طوسی بارور شد ، بعد توسط علامه مرتب شد سر و ته پیدا کرد نظم و نسق پیدا کرد ولذا ما غالبا در بحث‌هایمان به شیخ طوسی می‌گوییم که ایشان حجت تعبدی را آورد احتمالا شیخ مفید تاثیر داشته چون اگر این سال 370 که ایشان می‌گوید چیزی نزدیک به 40 سال بعد از آمدن زیدی‌ها به بغداد است آنها 334 وارد بغداد شدند آل بویه و این‌ها در بغداد بودند و عنوان داشتند و متکلم بودند همین استاد معروف ابن ابی الحدید جعفر نقیب زیدی است دیگر ایشان تا حمله‌ی مغول قرن هفتم بعد دیگر رفتند یمن کلا از دنیای اسلام منقطع هستند ، من آن شب یک اشاره‌ای شما هم بودید به سید عبدالله ... کردم کلا از دنیای اسلام منقطع شدند . تا قرن چهارم در حدیث تاثیر گذار بودند از قرن چهارم تا قرن هفتم در کلام تاثیر گذارند از قرن هفتم که دیگر بغداد به هم می‌خورد این‌ها می‌روند یمن دیگر در دنیای اسلام لذا من حرفم می‌خواستم البته نشد دیگر آن شب بگوییم حرفم به سید عبدالله این بود که ای کاش شما به جای این کارهای عجیب و غریب و نمی‌دانم کشتی بدزدید و فلان و اینها به جای این کارها اول سعی کنید خود دولتتان را در دنیا قبول بکنند چون هنوز دولت یمن را کسی قبول نکرد دولت صنعا را کسی قبول نکرد الا ایران که می‌گوید سفیر نمی‌دانم حالا سفیر کشکی گذاشته یا واقعی است نمی‌دانم ، شما را هنوز رسما دولت نمی‌دانند گفتم اگر بشود شما اگر یادتان باشد که کتاب‌هایتان را پخش کنید در دنیای اسلام باز کم کم به دنیای اسلام برگردید ، گفت المحیط را در بیروت چاپ کردم آن شب شما بودید ، گفت المحیط را چاپ کردم در ده جلد ، خودش هم فهمید زود گفتم غرض اگر بشود ، ملتفت شدید مراد من چیست یعنی شما یک چند قرنی از دنیای اسلام منقطع شدید الان هم منقطع هستید الان در دنیای اسلام آن که قبول دارند دولت عدن است جنوب یمن جنوبی .**

**در همین کنفرانس اسلامی که به خاطر غزه رفتند اینها نداشند نماینده نداشتند حالا ایران شرکت کرد اما مثلا راجع به مساله‌ی فلسطین اصلا مثلا فرض کنید غزه نماینده نداشت نماینده‌ی کرانه‌ی باختری بود همان ابو مازن بود دیگر عباس چیست ؟ آن چیست فلان عباس . غرض آن بود دقت می‌کنید چون او را قبول دارند رسما اصلا نوشته بود جلویش دولة فلسطین او را به عنوان دولت فلسطین قبول داشتند که تصادفا که جمهوری و اینها با او ملاقات لا اقل نشان ندادند اگر هم ملاقاتی بوده خصوصی ما خبر نداشتیم اما با او ملاقاتی نداشت تصادفا دقت می‌کنید این که رسما**

**ببینید دو تا مطلب است آیا این مطلب صحیح یا نه خوب صحیح نیست دنیای سیاست همین ، آقای بنایی می‌دانند چقدر باطل در دنیای سیاست هست این امرش واضح است اما این چیزی که درست کردند این مسخره بازی این صحنه سازی که درست کردند به این صورت است گفتم شما اول سعی کنید در دنیای اسلام دو مرتبه جا باز کنید ، حالا این من احتمال می‌دهم این مطلبی را که ما دائما به شیخ طوسی بلانسبت حمله می‌کنیم اصلش برای شیخ مفید و وجود آل بویه در بغداد باشد ، اصلا بله آقا ؟**

**یکی از حضار : سندیا و یک انتقال دیگری که به شیخ چیز می‌کند همین است می‌گوید والذی رواه ابو جعفر رحمه الله فلیس یجب العمل بجمیعه اذ لم یکن ثابتا من الطرق التی تعلق بها قول الائمة علیهم السلام اذ فی اخبار آحاد لا توجب علم ولا عملا وروایته امن یجوز علیه سهو والغلط**

**آیت الله مددی : برای کیست این ؟**

**یکی از حضار : این مسائل سرویه شیخ مفید**

**آیت الله مددی : بله مسائل ، دقت کردید ؟ این است که این را دقت کنید حالا برای ، یعنی رفت**

**یکی از حضار : همان که معروف است که خبر واحد را قبول ندارد**

**آیت الله مددی : بله ، شیخ مفید آن که ما از این کتاب التذکرة اش فهمیدیم خبر واحد را قبول دارد با قرائن همان حرف محقق سید مرتضی اصلا قبول ندارد این دو تا را با هم خلط کردند شیخ طوسی هم تقریبا قرائنی را می‌گیرد اما چیز واضح نیست مبنایش معلوم است خبر را قبول دارد شیخ مفید در این کتاب التذکرة فی اصول الفقه 10 صفحه است چقدر است خیلی مختصر است ، ایشان با قرائن قبول می‌کند.**

**یکی از حضار : علم آور هم می‌داند خبر را**

**آیت الله مددی : خبر واحد را ؟**

**یکی از حضار : خبر واحد با قرائن**

**آیت الله مددی : بله با قرائن چرا خود خبر واحد**

**یکی از حضار : یعنی علم آور می‌داند .**

**آیت الله مددی : بله چون ظن را حجت نمی‌دانستند .**

**یکی از حاضر : والاخبار الموصلة الی العلم بما ذکرناه ثلاثة اخبار خبر متواتر وخبر واحد معه قرینة تشهد بصدقه وخبر مرسل فی الاسناد یعمل به اهل الحق علی الاتفاق .**

**آیت الله مددی : ببینید این عبارت محقق کل خبر عمل به الاصحاب او دلت القرائن علی صحته عین این است . گفت خبر مرسل هم باشد اصحاب اهل حق به آن عمل کردند کافی است روشن شد ؟ سید مرتضی خبر صحیح را هم حجت نمی‌داند هیچ خبری را حجت نمی‌داند این مطلبی را که ایشان در تذکره دارد چون این مبانی بزرگان اصحاب ما درست تحلیل نشده ما دائما مجبوریم در خلال بحث‌هایمان بیاوریم بعید نیست که روشن شد چه می‌خواهم بگویم ؟ چون ایشان دارد می‌گوید این روایاتی که آمده شهر رمضان تامٌ اینها شاذ و ضعاف اصحاب حالا اسم‌ها را گوش بکنیم بخوانید .**

**یکی از حضار : فهی احادیث شاذة**

**آیت الله مددی : احادیث شاذةٌ**

**یکی از حضار : احادیث شاذة قد طعن نقاد الاثار من الشیعة فی سندها**

**آیت الله مددی : ببینید**

**یکی از حضار : وهی مثبتة فی کتب الصیام فی ابواب النوادر**

**آیت الله مددی : ببینید**

**یکی از حضار : والنوادر هی التی لا عمل علیها**

**آیت الله مددی : خیلی نکته‌ای است این جای دیگر ما ندیدیم در آن زمان قرن چهارم جایی ندیدیم که نوادر اگر در کافی هست یعنی روایتی که عمل به آن نمی‌شود این ، این ما الان ، الان عده‌ای نقل کردند این مطلب را که نوادر در کافی در فقیه یعنی روایتی که به آن عمل نمی‌شود تمام سندشان این عبارت مفید است . دقت کردید ؟ و هی مثبتة فی باب النوادر و باب النوادر لا عمل علیها بفرمایید اما این نوادر لا عمل علیها بحث فهرستی هم می‌شود بحث سندی صرف نیست بفرمایید ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : فنذکر جملة ما جائت فی الاحادیث الشاذة وابین عن خلالها وفساد التعلق بها فی خلاف الکافة ان شاء الله تعالی فمن ذلک حدیث رواه محمد بن حسین بن ابی الخطاب عن محمد بن سنان عن حذیفة بن منصور عن ابی عبدالله علیه السلام قال شهر رمضان ثلاثون یوما لا ینقص ابدا وهذا الحدیث شاذ نادر غیر معتمد علیه فریقه محمد بن سنان وهو مطعون فیه لا تختلف العصابة فی تهمته وضعفه وما کان هذا سبیله لم یعمل علیه فی الدین بعد روایت بعدی را محمد بن یحیی العطار عن سهل بن زیاد عن محمد بن اسماعیل عن بعض اصحابه عن ابی عبدالله علیه السلام وهذا الحدیث شاذ مجهول الاسناد لو جاء بفضل صدقة او صیام او عمل**

**آیت الله مددی : طرز را ملتفت شدید مستحب ، اگر درباره‌ی این نماز مستحب هم بیاید به آن عمل نمی‌کنیم چه برسد در باب ماه رمضان فضل صیام یعنی نماز مستحب .**

**یکی از حضار : چرا مجهول الاسناد بود ؟**

**آیت الله مددی : چون بعد از سهل بن ، بعد از محمد بن مسلم مثل اینکه عن بعضهم دارد .**

**یکی از حضار : عن بعضهم دارد بله .**

**آیت الله مددی : ارسال داشت .**

**یکی از حضار : او عمل به لوجب التوقف فیه فکیف اذا جاء**

**آیت الله مددی : این که می‌گویند قدماء به خبر ضعیف عمل می‌کردند در مستحبات این نشان می‌دهد که نه ، احسنت ، احسنت بارک الله**

**یکی از حضار : فکیف اذا جاء بشیء یخالف فی**

**آیت الله مددی : بالاخره بعد از چند ماه دیگر کم کم دارید روی ریل می‌آیید که مطالب روشن بشود خیلی این مساله‌ی مهمی است بفرمایید.**

**یکی از حضار : السنة واجماع الامة ولا یصح علی حساب ملی و لا ذمی و لا مسلم و لا منجم ومن عول علی مثل هذا الحدیث فی فرائض الله تعالی فقد ضل ضلالا بعیدا . بعد در معنای روایت بحث می‌کند**

**آیت الله مددی : باز یکی دیگر است این ضعاف .**

**یکی از حضار : فصل ومن ما تعلق به ایضا حدیث رواه محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن محمد بن اسماعیل بن بزی عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن ابیه عن ابی عبدالله علیه السلام و هذا الحدیث من جنس الاول والطریقة وهو حدیث شاذ لا یثبت عند اصحاب الاثار فقد طعن فیه فقهاء الشیعة بان قالوا محمد بن یعقوب بن شعیب لم یروی عن ابیه حدیثا واحدا غیر هذا الحدیث ولو کانت له روایة عن ابیه لروی عنه امثال هذا الحدیث ولم یقتصر علی حدیث واحد لم یشرکه فیه غیره مع ان الیعقوب بن شعیب رحمه الله اصلا قد جمع فیه کافة ما رواه عن ابی عبدالله لیس هذا الحدیث منه ولو کان مما**

**آیت الله مددی : اینها بحث‌های فهرستی است .**

**یکی از حضار : کتاب داشته .**

**یکی از حضار : ولو کان مما رواه یعقوب بن شعیب لاورده فی اصله الذی**

**آیت الله مددی : یعقوب بن شعیب بن نمی‌دانم کذا میثم تمار از نوه‌های میثم تمار بفرمایید .**

**یکی از حضار : لاورده فی اصله الذی جمع فیه حدیثه عن ابی عبدالله علیه السلام وخلو اصله منه دلیل علی انه موضوع**

**آیت الله مددی : خوب**

**یکی از حضار : بعد باز دو باره می‌گوید که بمضمون حدیث چیز می‌کند بعد می‌گوید وهذا یدلک علی ان هذا الحدیث عامی العقل بوده بعید عن العلماء و حاشا ائمة الهدی علیهم السلام مما اضافوا الیهم الجاهلون واعضاه الیهم المفترون والله المستعان**

**آیت الله مددی : خوب**

**یکی از حضار : وهذه الاحادیث الثلاثة مع شذوذها واضطراب سندها وطعن علماء فی رواتها هی التی یعتمدها اصحاب العدد المتعلقون بالنقد فقد بینا ضعف التعلق بها بما فیه کفایة ولله الحمد .**

**آیت الله مددی : خوب ، واما**

**یکی از حضار : واما رواة الحدیث فصل واما رواة الحدیث بان شهر رمضان شهر من شهور السنة یکون تسعة وعشرین یوما ویکون ثلاثین یوما فهم فقهاء اصحاب ابی جعفر محمد بن علی و ابی عبدالله جعفر بن محمد ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی الحسن علی بن موسی و ابی الجعفر محمد بن علی و ابی الحسن علی بن محمد**

**آیت الله مددی : امام هادی**

**یکی از حضار : و ابی محمد حسن بن علی**

**آیت الله مددی : امام عسکری**

**یکی از حضار : صلوات الله علیهم والاعلام رؤساء المأخوذ عنهم**

**آیت الله مددی : این را آقای خوئی زیاد تکرار می‌کند که مثلا ذکره شیخ المفید برسالة انه من الاصحاب و کذا ورؤساء الاعلام المأخوذ عنهم الحلال والحرام اینجاست آن عبارت اینجاست بعد اسم می‌برد .**

**یکی از حضار : بله بعد اسم می‌برد .**

**آیت الله مددی : والرؤساء الاعلام المأخوذ عنهم الحلال الحرام**

**یکی از حضار : والفتیا والاحکام الذین لا مطعن علیهم ولا طریق الی ذم واحد منهم فهم اصحاب الاصول المدونة والمصنفات المشهورة وکلهم من اجمع نقلا وعملا علی ان الشهر رمضان یکون تسعة وعشرین یوما نقلوا ذلک عن ائمة الهدی علیهم السلام وعرفوه فی عقیدتهم واعتمدوه فی دیانتهم**

**آیت الله مددی : خوب**

**یکی از حضار : فقد فصلت احادیثهم بذلک فی کتابی المعروف مصباح النور فی علامات اوائل الشهور وانا**

**آیت الله مددی : مصابیح النور باید باشد . مصابیح النور کتابی است غیر از**

**یکی از حضار : این که الان مصباح النور دارد .**

**آیت الله مددی : مصابیح النور این درباره‌ی اثبات ماه رمضان و بقیة الشهور بعدش را بخوان .**

**یکی از حضار : بله می‌گوید که الان اسم‌ها را می‌برد و ممن روی عن ابی جعفر علیه السلام ابو جعفر محمد بن مسلم روی می‌گوید متن‌های حدیث را می‌آورد و روی محمد بن قیس مثل ذلک و معناه سندها را می‌آورد و روی محمد بن سنان عن ابی الجارود**

**آیت الله مددی : محمد بن سنان را تضعیف کرد اینجا**

**یکی از حضار : وروی مصعدة بن صدقة**

**آیت الله مددی : خیلی ...**

**یکی از حضار : عن عمار بن موسی الساباطی**

**آیت الله مددی : اصلا احتمال می‌دهیم که بلا نسبت یک مقدار علم نزد آنها حالت جدلی پیدا کرده است یعنی مثلا خود مرحوم شیخ طوسی در این کتاب خلاف گاهی این طوری است مثلا یک شک در جزئیت می‌شود می‌گوید برائت اقتضاء می‌کند که واجب نباشد ، یک جای دیگر شک در جزئیت را می‌گوید احتیاط اقتضاء می‌کند واجب باشد یک جا برائت است یک جا احتیاط است تقریبا شاید مرادش رد اهل سنت بوده است لا اقل مثلا به بعضی مبانی و الا ، الان ایشان محمد بن سنان را اسم برد اینجا .**

**یکی از حضار : مصعدة بن صدقة و عمار ساباطی و**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ حالا قبلش گفته بود دیگر حالا الرؤساء الاعلام والماخوذ عنهم الحلال والحرام وآن حرف‌ها را الی آخره حالا بیاورید کتاب شیخ طوسی را در همین باب ماه رمضان**

**یکی از حضار : فقط یک چیزی من می‌خواستم عرض کنم که ایشان در تصحیح الاعتقادات این جایی که دارد به شیخ صدوق انتقاد می‌کند می‌گوید و اما ما تعلق به ابا جعفر رحمه الله من حدیث سلیم الذی رجع فیه الی الکتاب المضاف الیه بروایات ابان بن ابی عیاش فالمعناه فیه صحیح غیر ان هذا الکتاب غیر موثوق به که اینجا اشکال را به کتاب می‌گیرد نه سلیم**

**آیت الله مددی : معروف این است که ایشان اشکال به سند می‌گوید نسخش مختلف است اصلش را قبول دارد می‌گوید نسخ مختلف دارد .**

**یکی از حضار : می‌گوید ولا یجوز العمل علی اکثره وقد**

**آیت الله مددی : علی اکثر همان که گفتیم . علی اکثره همین اشکال ایشان این است که نسخ کتاب راست هم می‌گوید ما هم اشکالمان همین است اصل کتاب ظاهرا مشکل ندارد اما نسخ واحد ندارد این هم به خاطر این که افراد مختلف بودند بعضی‌ها در قم بودند بعضی‌ها بغداد بودند وقتی می‌خواستند مطاعن خلفاء را بنویسند خوب می‌ترسیدند بنویسند آنهایی که مطاعن کمتر دارد آنها ظاهرا به حساب از ترسشان بوده است یعنی بعبارة اخری در نوشتن عبارات خیلی شرایط زمان و مکان را به کار بردند خوب برگردیم به عبارت شیخ طوسی**

**یکی از حضار : تهذیب در شیخ طوسی**

**آیت الله مددی : بله تهذیب در شیخ طوسی .**

**یکی از حضار : چه روایتی ؟**

**آیت الله مددی : همین حذیفة بن برای شهر رمضان**

**یکی از حضار : روایت عدد**

**آیت الله مددی : روایت عدد شهر رمضان تام ابدا**

**یکی از حضار : لا یصیبه**

**آیت الله مددی : لا یصیبه نقصان ، تهذیب این بحث را ، ببینید اینجا بیشتر بحث سندی کرد یک اشاره‌ای هم به بحث فهرستی داشت اما عمده‌ی بحث را برد روی سند و اینها صحاح هستند ثقات هستند اجلاء هستند و آنها هم ضعفاء هستند و الی آخره حالا عبارت شیخ طوسی را بخوانید .**

**یکی از حضار : خود روایت را بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : خود عبارت شیخ که می‌آورد روایت حذیفة بن منصور**

**یکی از حضار : بله می‌گوید فاما ما رواه فی کتاب الصیام من حدیث حذیفة بن منصور عن مدخل 42768 عن معاذ بن قلت لابی عبدالله علیه السلام ان الناس یقولون ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صام تسعة وعشرین اکثر مما صام ثلاثین فقال کذبوا ما صام رسول الله صلی الله علیه واله وسلم منذ بعثه تعالی الی ان قبضه اقل من ثلاثین یوما**

**آیت الله مددی : این خیلی عجیب است معلوم است این حدیث چون منذ بعثه 13 سال مکه که پیغمبر روزه نمی‌گرفتند اصلا ، ماه رمضانی حساب نبود چون ماه رمضان در مدینه شد دارد در بعضی روایات دارد که رسول الله همین طور روزه می‌گرفت حتی یقال ما افطر افطار می‌کرد حتی یقال ما صام و اما ماه رمضان را ندارد نه و اما در مدینه چون ایشان شعبان وارد مدینه شدند ماه رمضان سال اول را هم نگرفتند محرم که آمد به خاطر یهود همان روز تاسوعا و عاشورا را گرفتند به خاطر یهود در حدود ماه شعبان سال دوم کتب علیکم الصیام نازل شد، کما کتب علی الذین من قبلکم .**

**یکی از حضار : بنا بر ادیان قبلی که می‌گرفته ؟**

**آیت الله مددی : بنا بر ادیان قبلی بوده و حتی گفته شده که در ادیان هم نبوده بر انبیاء سابق مثلا بوده حالا به هر حال آن بحث دیگری دارد این از سال دوم است منذ بعثه الله الی ان قبضه حرف عجیبی است شواهد تاییدش نمی‌کند بفرمایید آقا ، می‌گوید حضرت در تمام این 23 سال دائما 30 روزه روزه گرفتند .**

**یکی از حضار : ولا نقص شهر رمضان منذ خلق الله السماوات من الثلاثین یوما ولیلة ثم ذکر هذا الحدیث من طریق آخر وهو الحسن بن حذیفة عن ابیه عن معاذ قال قلت لابی عبدالله باز دو بار همین حدیث .**

**آیت الله مددی : این سند اول حدیث اول را نخواندید ناقص خواندید**

**یکی از حضار : ابن رباح فی کتاب الصیام**

**آیت الله مددی : اها ابن رباح نقل کرده یوسف ابن رباح چیست احمد بن یوسف یک یوسفی دارد رباح هم دارد حالا یادم رفت اول اسمش یادم رفت یوسف بن رباح فی کتاب الصیام بفرمایید . خیلی این عجیب است کلام شیخ رحمه الله بفرمایید .**

**یکی از حضار : ثم ذکر هذا الحدیث من طریق آخر که خواندم وروی هذا الحدیث ایضا محمد بن سنان عن حذیفة بن منصور عن ابی عبدالله علیه السلام قال شهر رمضان ثلاثون یوما لا ینقص ابدا ثم ذکر من طریق آخر بالفاظ تزید وتنقص علی ما تقدم ذکره عن الحسن بن حذیفه عن ابیه عن معاذ قال قلت لابی عبدالله علیه السلام ان الناس یروون عندنا ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صام هکذا وهکذا وهکذا وحکی بیده یطبق احدی یده علی الاخری عشر وعشر وتسعا .**

**آیت الله مددی : دقت کردید چطور شد ؟ این طوری این طوری این طوری**

**یکی از حضار : اکثر مما صام هکذا وهکذا وهکذا عشرا وعشرا و عشرا**

**آیت الله مددی : این طوری و این طوری و این طوری**

**یکی از حضار : باز دو باره همان قال فقال ابا عبدالله علیه السلام ما صام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اقل من ثلاثین یوما وما نقص شهر رمضان من ثلاثین یوما منذ خلق الله السماوات والارض وذکره من طریق آخر عن ابی عمران المنشد عن حذیفة بن منصور قال قال ابا عبدالله .**

**آیت الله مددی : منشد اصطلاحا در آن زمان کسانی بود که مثل مداح‌های امروز ما شعر می‌خواندند برای مثلا یا مثلا منشد فلان بود مثل دکلمه به اصطلاح یک شاعری یک منشدی داشت منشد کسی بود که شعر او را مثلا با یک ترتیب خاصی می‌خواند هر شاعری این متنبی یک قصیده‌ی بسیار زیبایی دارد جزو عیون قصائدش است ، لکل امرء من دهر شب قدر هم هست ، لکل امرء من دهره ما تعودا هر انسان حسب عادت ، تعودا یعنی عادت و عادات السیف فی الدولة الطعن فی العداء عادات او شمشیر زدن به دشمن‌هاست وعادات السیف فی الدولة الطعن فی العداء بعد می‌گوید این کسانی که می‌آیند مدح تو را می‌کنند به سیف الدولة اینها می‌آیند شعر مرا برای تو می‌خوانند هر چه من در مدح تو می‌گویم آن ها از خودشان نیست برای من است بعد می‌گوید و ما الدهر الا من رواة قصائدی تمام روزگار راوی قصیده‌ی من هستند ، روزگار ، وما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعرا اصبح الدهر منشدا ، خیلی قوی است انصافا اذا قلت شعرا اصبح الدهر منشدا روزگار او را نقل می‌کند یعنی کسی نیست که بتواند منشد شعر من باشد شعر من را بخواند وما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعلت آخر متنبی این جوری است یک شعر در مدح مثلا آن پادشاه می‌گوید یک شعر هم در مدح خودش می‌گوید این طوری است خودش هم خیلی می‌برد بالا چیزی هم ندارد به اصطلاح رسما هم معلوم نیست پسر کیست آخر متنبی می‌گویند احتمالا جزو علوی‌های کوفه بوده اما پدرش معلوم نیست کیست یک کتابی یک عراقی نوشته بود سنی نوشته بود من دیدم المتنبی یسترد اباه خیلی وقت است شاید پنجاه سال که متنبی پدرش را پیدا می‌کند آن می‌گوید این متنبی چنین شاعر قوی پسر امام زمان است پسر حضرت مهدی است اینکه نوشتند علوی است اسم پدرش در کوفه در آوردند و این جور چیزها ایشان اصرار دارد که کتاب بزرگی هم نیست کوچک است دلیلی هم نیاورده همین طور از همین برای شب عید الزهراء به اصطلاح از این حرف‌هایی که به درد شب عید الزهراء می‌خورد .**

**اما انصافا بعضی شعرهایش واقعا چیز عجیبی است مثل همین شعری که گفتم و ما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعرا اصبح الدهر، قبلش دارد چه ؟ اتاک اتاک المادحون بمدحتی انا صائح المحکی والآخر صدی یعنی هر کسی که می‌آید تو را مدح می‌کند این صدای من را به تو برمی‌گرداند مثل اینکه آدم در کوهستان یک چیزی می‌گوید صدا برمی‌گردد من صدا می‌کنم برمی‌گردد صدی یعنی آن صدایی که ، هر کسی چیزی راجع به تو می‌گوید آن در حقیقت مطلب من است کسی غیر از این دیگر بیشتر نمی‌تواند بگوید آن چه که من گفتم خیلی قصیده‌ی قشنگی است دالی قشنگی است بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : و ذکره عن طریق آخر عن ابی عمران المنشد عن حذیفة بن منصور قال قال ابا عبدالله علیه السلام لا والله لا والله ما نقص الشهر رمضان ولا ینقص ابدا من ثلاثین یوما و ثلاثین لیلة وقلت لحذیفة لعله قال لک ثلاثین لیلة وثلاثین یوما کما یقول الناس اللیل لیل النهار فقال لی حذیفة هکذا سمعت و آخرین روایت هم که روی محمد بن ابی عمیر عن حذیفة بن منصور قال اتیت من معاذ بن کثیر فی شهر رمضان و کان معی اسحاق بن محول وقال معاذ لا والله ما نقص من شهر رمضان قط بعد ایشان می‌گوید وهذا الخبر لا یصح العمل به من وجوه**

**آیت الله مددی : حالا مناقشات شیخ طوسی . همان است که ما می‌گوییم ای کاش شیخ طوسی این کار را همه جا کرده بود و نکته‌ای که من عرض کردم ملتفت شدید اصلا اسم عبدالله بن جعفر در هیچ روایتی نیست . معلوم می‌شود این شیطان ، روشن شد چه می‌خواهم بگویم ؟ برداشته احادیث را به اسم کسانی دیگر گذاشته است . این را برای اولین بار من متفطن شدم کسی دیگر متفطن نشد دیگر جزو فواید بحث ماست این شیطان فهمیده که اگر بخواهد اسم علمای شیعه را ببرند اینها شناخته می‌شوند دیگر می‌گویند آقا نگفتی این سعی کرده یک راهی را درست بکند که یک اسم‌های مجهولی را در بیاورد بگوید این آقا به من گفت ولی این آقا کی هست خودش هیچ کس نمی‌شناسد ، این در حقیقت مجهول این راه حالا خیلی قصه‌ی خاصی است من ان شاء الله شواهدش را هم باز عرض می‌کنم شاید در شب‌های دیگر حالا امشب بخوانند ، بخوانید شما و هذا الخبر لا یصح من وجوه بفرمایید .**

**یکی از حضار : کل این چند خبر ؟**

**یکی از حضار : نه ظاهرا خبر آخر را می‌گوید چون بعدا باز برمی‌گردد به خبرهای قبلی**

**آیت الله مددی : حالا بفرمایید اشکال ندارد حالا کلا بخوانید اشکال ندارد .**

**یکی از حضار : و هذا الخبر لا یصح من وجوه احدها ان متن هذا الحدیث لا یوجد فی شیء من الاصول المصنفة وانما هو موجود فی الشواذ من الاخبار**

**آیت الله مددی : در مصنفات و اصول نیامده با اینکه شیخ اهل اصول و مصنفات نیست اینجا برگشت به اصول و مصنفات ، خصوصا این خبر اخیر را اگر دقت کنید از ابن ابی عمیر نقل کرد می‌خواهد بگوید در نسخ کتاب ابن ابی عمیر نیست ، چون گفت روی ابن ابی عمیر بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله ، و منها ان کتاب حذیفة بن منصور رحمه الله عری منه والکتاب معروف ومشهور**

**آیت الله مددی : ببینید کتاب حذیفة معروف است درش نیست این حدیث اصلا ، نه غیر از حالا ابن ابی عمیر بخوانید بعد .**

**یکی از حضار : الکتاب معروف مشهور ولو کان هذا الحدیث صحیح عنه لضمنه کتابه**

**آیت الله مددی : لضمّنه کتابه**

**یکی از حضار : لضمنه کتاب**

**آیت الله مددی : خوب .**

**یکی از حضار : ومنه ان هذا الخبر مختلف الالفاظ مضطرب المعانی الا تری ان حذیفة تارة یرویه عن معاذ عن ابی عبدالله تارة یرویه عن ابی عبدالله بلا**

**آیت الله مددی : این مناقشاتی است که اهل سنت دارند طبیعت مناقشات اهل سنت این می‌شود که تارة ان یرویه مرفوعا تارة ان یرویه موقوفا این دارند .**

**یکی از حضار : و تارة یفتی به من قبل نفسه فلا یسنده الی احد وهذا الضرب من الاختلاف یضعف الاعتراض به والتعلق بمثله ومنها انه لو سلم من جمیع ما ذکرناه لکان خبر واحد لا یوجب علما ولا عملا**

**آیت الله مددی : عجیب است با اینکه خودش عمل می‌کند .**

**یکی از حضار : فاخبار الاحاد لا یجوز الاعتراض بها علی ظاهر القرآن والاخبار المتواترة بعد یک اشکال معنایی می‌کنند که ولو کان هذا الخبر مما یوجب العلم لم یکن فی مضمونه ما یوجب العمل علی العدد دون الاهلة وانا ابین عن وجهه که می‌گویند منظور اینجا سی چه بوده از سی و اینها در توضیح بعدا بعد می‌گوید اما الحدیث الذی رواه الحسن بن حذیفة عن ابیه انه قال بعد روایت را می‌آورد فانه یفید تکذیب الراوی من العامة عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم انه صام شهر رمضان تسعة وعشرین اکثر مما صامه ثلاثین ولا یفید انه لا یصح صیامه تسعة وعشرین ولا یتفق ان یکون زمانه کذلک .**

**آیت الله مددی : ببینید با اینکه گفت حسن بن حذیفه در نسخه‌ی حذیفه این حدیث نیست باز می‌آورد توجیه می‌کند این بوده متعارف بوده نزدشان .**

**یکی از حضار : و یکون معنی قوله ما صام منذ بعث الی ان قبض اقل من ثلاثین یوما ویکون معنی قوله الاخبار عن ما اتفق له من ذلک فی مدة زمان فرض الله علیه بذلک دون ما یستقبل فی الاوقات بعد تلک الزمان ویحتمل ان یکون لم یصم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اقل من ثلاثین یوما علی ما ادعاه مخالف من الکثرة دون القلة والتقریب**

**آیت الله مددی : دائما توجیه می‌کنند .**

**یکی از حضار : فکانه قال لم یکن صام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اقل من ثلاثین علی اغلب احواله حسب ما ادعاه المخالفون ویکون قوله ولا نقص شهر رمضان منذ خلق الله تعالی سماوات والارض من ثلاثین یوما وثلاثین لیلة علی الوجه الذی زعم المخالفون ان نقصانه عن ذلک اکثر من تمامه واذ احتمل الکلام من المعنی فی هذا الخبر ما ذکرناه**

**آیت الله مددی : توجیه معنا می‌کند ، یک جا فقط رفت روی متن گفت کتاب حذیفه مشهور است در کتابش نیست در این نسخه‌ای که حسن پسرش نقل کرده هست حسن بن حذیفة اما در نسخه‌ی مشهورش نیست این بحث فهرستی است اگر این نحوه‌ی ، البته بعد بحث‌های جدل دلالتی که بحث‌های جدلی است دلالی ، تو که قبولش نکردی ، قبولش نکردی دیگر این توجیهات چیست ؟ در مقابل مخالف و در مقابل از این حرف‌ها دیگر این حرف‌ها محل ندارد دیگر وقتی کلام باطل است این حرف‌ها محل ندارد بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : دیگر همین روایت محمد بن چیز را هم می‌آورد و دوباره همین بحث‌های معنایی می‌کند .**

**آیت الله مددی : بحث روایت محمد بن یعقوب را هم می‌آورد ؟**

**یکی از حضار : نه آخرین روایتی که بحث می‌کند**

**آیت الله مددی : که شیخ مفید آورده است روایت محمد بن یعقوب**

**یکی از حضار : همان محمد بن سنان عن حذیفه باز این را هم بحث می‌کند و دوباره همین طور بحث‌های معنایی که این در مقابل آنهاست و اینها بعد می‌گوید فاما**

**یکی از حضار : خیلی طولانی بحث کرده است .**

**آیت الله مددی : بله خیلی بله به تهذیب نمی‌خورد . و ای کاش این بخش‌های حدیثی ما این جور بررسی می‌شد روایت محمد بن یعقوب شعیب را چه عجب نمی‌آورد**

**یکی از حضار : نمی‌آورد و بعد دوباره سه تا روایت را در همین معنا می‌آورد می‌گوید و اما خیلی روایت طولانی است ببخشید می‌گوید که فاما الذی رواه محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن**

**آیت الله مددی : همین .**

**یکی از حضار : اینجا نقدش را می‌آورد قال قلت لابی عبدالله ان الناس یقولون ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت طولانی را می‌آورد و روی هذا الحدیث ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه عن ابیه عن سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسین عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن ابیه عن ابی عبدالله باز دوباره این را می‌آورد که کذبوا ما صام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم الا تاما ولا تکون الفرائض ناقصة این هم روایت دوم بعد می‌گوید ورواه الکلینی محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن سعد بن زیاد عن محمد بن اسماعیل عن بعض اصحابه عن ابی عبدالله**

**آیت الله مددی : این عبارت مفید است شیخ مفید است استادش**

**یکی از حضار : شعبان لا یتم ابدا وشهر رمضان لا ینقص والله ابدا همه‌ی اینها را ایشان می‌آورد بعد می‌گوید وهذا الخبر ایضا نظیر ما تقدم فیه ان لا یصح الاحتجاج بمثل ما قدمناه من انه خبر واحد لا یوجب علم وخبر واحد لا یوجب علما ولا عملا وانه لا یعترض بمثله علی ظاهر القرآن والاخبار المتواترة وانه ایضا مختلف الالفاظ والمعانی والخبر واحد والاسناد واحد وایضا فان هذا الخبر یتضمن**

**یکی از حضار : چرا اسناد واحد ؟**

**آیت الله مددی : یعنی یک سند واحد داشته این که مرحوم صدوق با آن که مرحوم شیخ مفید آورده است ، بله .**

**یکی از حضار : ان هذا الخبر یتضمن من التعلیل ما یکشف عن انه لم یثبت عن امام هدی علیه السلام من ذلک ان قول الله عز وجل وواعدنا موسی ثلاثین لیلة لا یوجب استمرار امثال ذلک الشهر علی الکمال فی ذی القعدة بعد اینها را می‌گوید و خلاصه کلی اینها را بعد بحث تعلیل را مطرح می‌کند**

**آیت الله مددی : بعد چه کار می‌کند آخرش**

**یکی از حضار : همین طور بحث می‌کند و اجمع المسلمون علی ان المعتدل بالشهور اذا طلقه زوجها این بحث‌های معنایی را همین طور ادامه می‌دهد باز می‌گوید که مثلا تعلیل‌های بعدی که در این روایت آمده مثل لتکمل العدة که آمده اینها را نمی‌تواند از امام باشد یبطل ثبوتا عن امام هدی بعد می‌گوید و هذه الجملة خیلی طولانی است شاید دو صفحه است وهذه الجملة التی ذکرناه تدل علی ان التعلیل المذکور لتمام شهر رمضان ثلاثین یوما موضوع لا یصح عن الائمة علیهم السلام ولو سلم هذا الحدیث من جمیع ما ذکرناه لم یکن متضمن لفظ متنه محتلا لو فاق العمل علی الاهلة ولم یوجب الحکم بصحة خلافه فذلک ان تکذیب العامة فی ما ادعوه من صیام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شهر رمضان تسعة وعشرین یوما اکثر من صیامه ایاه ثلاثین یوما لا یمنع من ان یکون قد صامه تسعة وعشرین یوما غیر ان صیامه کذلک کان اقل من صیامه ایاه ثلاثین یوما باز می‌رود در همان بحث که سی و بیست و نه اینجا یعنی چه ؟**

**یکی از حضار : معنایی و محتوایی .**

**یکی از حضار : بله بعد هم لتکملوا العدة را می‌گوید که این اصلا تعریف کرده نفسه وواعدنا موسی ثلاثین لیلة هم همینطور بعد خلاصه می‌گوید والذی یدل علی ما ذکرناه من جواز النقصان علی ذی القعدة فی بعض الاوقات ما رواه بعد می‌آید در روایتی که برای بیست و نه بوده ان الشهر الذی یقال انه لا ینقصه ذوالقعدة لیست فی شهور السنة اکثر نقصانا منه روایت معاویة بن وهب است از امام صادق . بعد خیلی همین طور بحث می‌کند .**

**آیت الله مددی : آنچه که ایشان حالا بحث می‌کند غیر از آن جهات دلالی نکته‌ای را که ما می‌خواستیم بگوییم ایشان می‌گوید آقا در کتاب حذیفه که مشهور است نیست در اصول مصنفه هم که ما داشتیم با اینکه از ابن ابی عمیر نقل می‌کند این روایت وارد نشده است .**

**یکی از حضار : برای ابن رباح هم آخر سر می‌گویند آن آخر سر واما ما رواه ابن رباح عن سماعة عن حسن بن حذیفة وهذا الخبر ایضا نظیر ما تقدم من انه خبر واحد لا یوجب علما ولا عملا والکلام علیه کالکلام علی غیره من انه لا یجوز الاعتراض به علی ظاهر القرآن .**

**آیت الله مددی : ببینید این خبر واحد هم بحث اصولی حجیت است باز دائما می‌چسبد به حجیت لکن در اثناء می‌گوید در اصل کتاب ایشان نبوده است . یعنی در اثناء قبول می‌کند . و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**